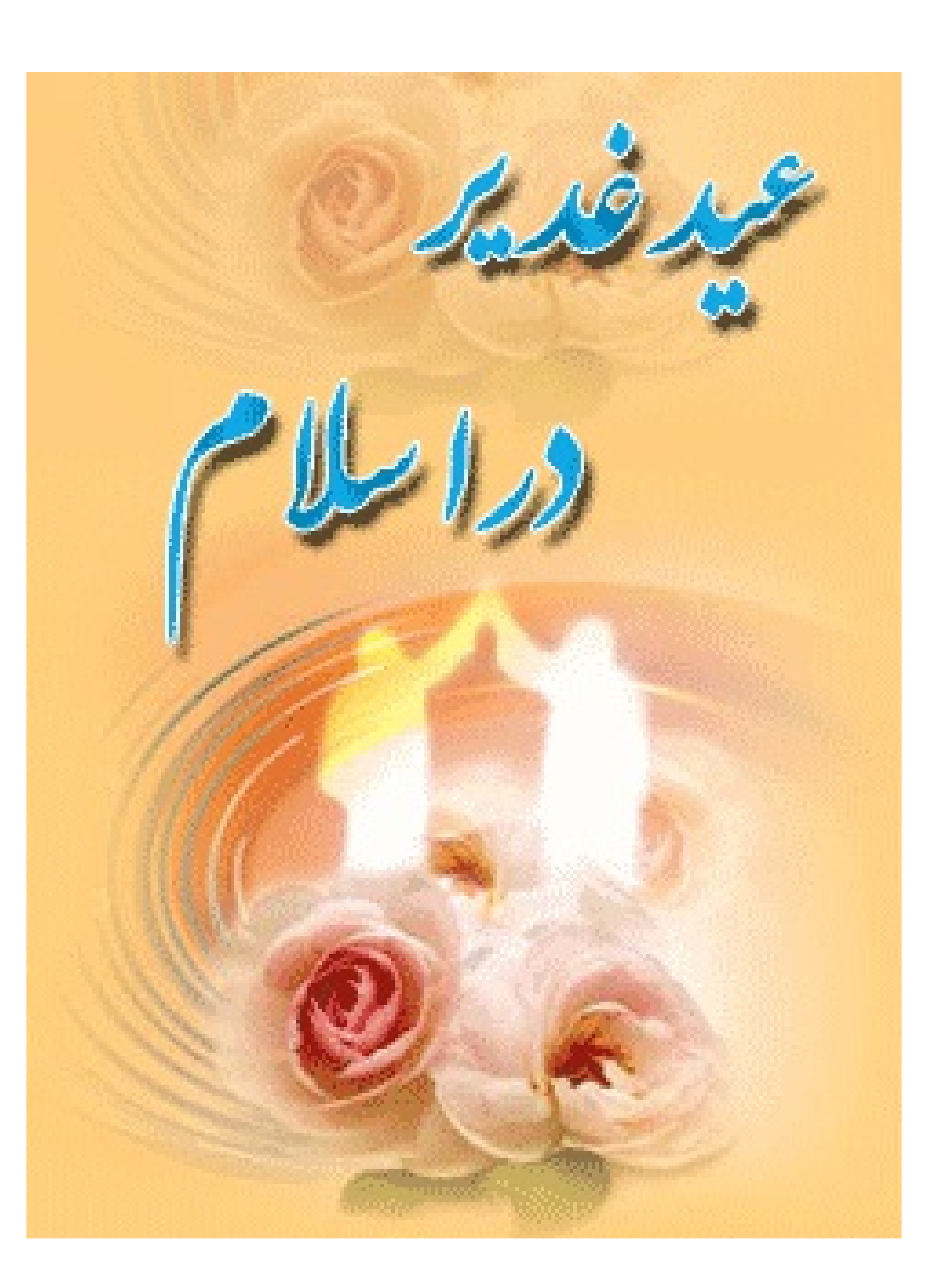

عید غدیر
در اسلام


بسم الله الرحمن الرحیم

عید غدیر در اسلام

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

روزنامه اطلاعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عید غدیر در اسلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران سرشناسه : محدثی جواد، ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور : عید غدیر درسیره اهل بیت/جواد محدثی منشا مقاله : ضمیمه اطلاعات ، ۱۲ آذر ۱۳۸۸ : ص ۷ توصیفگر : عید غدیرخم توصیفگر : اهل بیت توصیفگر : سیره معصومین توصیفگر : سیره نبوی توصیفگر : احادیث

سخن ناشر

کتاب ارزشمند و عظیم (الغدیر)، اثر محقق بزرگوار و عاشق اهل بیت و مدافع بزرگ حریم ولایت و امامت ، علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ق) از ذخائر گرانقدر شیعه است که بر اساس قرآن و حدیث و منابع تاریخی به دفاع از حق و رفع و دفع شبهات مخالفان پرداخته و از چنان تتبع و کاوشی عمیق برخوردار است که برای بعضی باور این نکته که این کار بزرگ و سترک از عهده یک نفر برآید، دشوار است . مباحث سودمند و ابتکاری که در الغدیر آمده ، سزاوار آگاهی عموم است . اصل کتاب به زبان عربی است و به فارسی هم ترجمه شده است . اما شاید بسیاری از علاقه مندان ولایت ، حوصله یا مجال مطالعه مجموعه عظیم و چند جلدی الغدیر را نداشته باشند.

از این رو این موسسه بر آن شد که برخی از موضوعات بحث شده در (الغدیر) را، بصورت گزینشی و خلاصه ، تدوین و در اختیار عموم قرار دهد، تا ازاین چشمه فیض ، بهره مند شوند. در این کار، علاوه بر ترجمه ، نوعی تلخیص و چکیده نویسی به کار رفته است ، تا مباحث مبسوط و فنی و نقلهای فراوان یک مساله از منابع بیشمار، برای خواننده فارسی زبان خسته کننده

نباشد.

امید است که این سلسله جزوات ، پیروان اهل بیت (ع) را با معارف شیعی و دیدگاه ها و تحقیقات علامه امینی در اثر ماندگارش (الغدیر) آشناتر سازد و گامی در تقدیر از خدمات و زحمات این بزرگ مدافع ولایت علوی محسوب گردد و عنایات خاصه مولی الموحدین ، امیرالمؤ منین علی بن ابیطالب (ع) را فراهم آورد. ان شاء الله .

معاونت پژوهشهای فارسی

پیشگفتار مترجم

در اینکه (امامت)، تداوم خط نورانی (رسالت) و ضامن اجرای احکام خدا در جامعه است ، شکی نیست و بدون این پشتوانه ، دین الهی از حالت قانون به صورت اجرا در نمی آید.

پیش بینی مکتب وحی برای این منظور، همان (وصایت) است که در مورد پیامبران گذشته نیز تحقق داشته و انبیاء الهی برای ادامه دین خداپس از خودشان (وصی) معرفی می کردند تا هادی مردم و مبین شریعت باشد.

در اسلام ، آن چه که در روز هیجدهم ذی حجه سال دهم هجری در (غدیر خم) پیش آمد و حضرت رسالت ، به فرمان الهی امیرالمؤ منین علی (ع) را به امامت و وصایت و خلافت تعیین نمود، یکی از حلقه های همین سلسله نورانی و رشته مستمر (وصایت) بود. دراهمیت آن نیز، همین بس که خداوند به پیامبرش فرمان اکید داد که آن را به مردم (ابلاغ) کند و گرنه رسالت خدا را ابلاغ نکرده است . پس از انجام آن مراسم نیز، آیه (اکملت لکم دینکم ...) نازل شد که نشان دهنده جایگاه والای ولایت و رهبری در اکمال دین و اتمام نعمت است .

غدیر، کاشتن بذر ولایت

درجانها بود و نشان دادن خورشید، به گرفتاران ظلمتها. پیامبر خدا (ص) در غدیر خم ، برای مسلمانانی که (طاعت خدا) را در (اطاعت از رسول) به اثبات رسانده بودند، رهنمود داد که (اطاعت از اولی الامر) را هم در این قائمه قرار دهند، که آن هم اطاعت از خداست .

از این رو، غدیر خم ، عید ولایت و رهبری ، عید عدالت و حق گستری و عید بشریت و روز (انسان) است ، روز پیمان و میثاق با (ولی خدا) و (دین خدا) و (رسول خدا).

دریغ است که بشر، سرچشمه ساز زلال (ولایت علی) سیراب نشود.

بدون ولایت علی ، کشتی مسلمانان به ساحل نجات و امنیت نمی رسد. در دنیای طوفان زده ما، نوح ، علی (ع) است که رهشناس است و موج آشنا و قاطع و هادی . امت بی امام ، رمه ای بی چوپان است و گله ای بی شبان و کشتی بی ناخدا و راه بی علامت و شب بی چراغ ! برای پیمودن این راه ، چه کسی رهشناس تر از (مولود کعبه)؟و قاطع تر از (ابوتراب) و پسندیده تر از (مرتضی) و والاتر از (علی)؟

این بودکه رسول اکرم (ص) از سوی پروردگار فرمان یافت تا (حق مجسم) را آشکارا در بازگشت از (حجه الوداع)، به مردم معرفی کند و (علی بن ابی طالب) (ع) را به امامت و خلافت نصب نماید تا پس از وی ، مردم در حیرت و ضلالت نمانند. پس ، چه روزی شایسته تر از (غدیر) برای عید گرفتن و

بزرگ داشتن و شادمانی کردن ؟

آن چه می خوانید، فشرده بحثی است که مرحوم (علامه امینی) در جلد اول کتاب ارزشمند (الغدیر)، تحت عنوان (عید الغدیر فی الاسلام) (۱) آورده و با استفاده از منابع فراوان اهل سنت و با تکیه بر روایات و نقلهای راویان و بزرگان آن فرقه ، هم به عید بودن غدیر اشاره کرد، هم ریشه تاریخی موضوع را از زمان پیامبر اکرم (ص) بررسی نموده است و این که این مساله ، از روزگار حضرت رسول و از زبان و زمان او مطرح بوده است ، نه آن که از اختراعات شیعه در قرون بعد و به دست معزالدوله باشد. تبریک و تهنیت گویی مسلمانان ، بخصوص ابوبکر و عمر را به علی بن ابی طالب (ع) در همان روز غدیر به صورت مستند آورده و بحثی محققانه هم درباره سلسله سند این نقلها وروایات و معتبر بودن راویان و ناقلان حدیث غدیر و حدیث تهنیت ، از دیدگاه خود اهل سنت انجام داده است .

بخش (عنایت خدا و رسول به غدیر) از صفحه ۱۲ همین جلد گرفته شده است .

در مواردی که نقلهای متعدد از منابع مختلف ، پیرامون یک موضوع آمده ، جهت پرهیز از طولانی شدن نوشته ، به ترجمه بعضی از آن نقلها اکتفا شده و به مضمون و محتوای بقیه موارد اشاره شده است .

امید است که این نوشته ، خوانندگان گرامی را با گوشه ای از معارف والای گنجینه پرگوهر (الغدیر) آشنا سازد و گامی کوچک در ارج نهادن به کار عظیم حضرت علامه امینی (ره) به شمار آید.

قم

- جواد محدثی

دی ۱۳۷۵

عنایت خدا و رسول به (غدیر)

خدای سبحان عنایتی فراوان داشت که حدیث و ماجرای (غدیر خم) علنی و آشکار باشد، تا زبانها و نقلهای راویان پیوسته بر مدار آن بچرخد، تا آن که حجت و دلیلی آشکار برای حمایتگر بزرگوار دینش حضرت امام علی (ع) گردد.

از این رو، ابلاغ این ماموریت را هنگامی به پیامبرش داد، که همراه جمعیت انبوهی از حج اکبر بازمی گشت . پیامبر خدا (ص) نیز در حالی این دعوت را ابلاغ کرد که توده های وسیعی از مردم از شهرها و آبادیهای مختلف بر گرد او بودند. فرمان داد تا جلو رفتگان برگردند و عقب ماندگان برسند، آن گاه پیام را به همه گوشها رساند و به حاضران فرمان داد تا به غایبان برسانند، تا همگان راوی این حدیث باشند، در حالی که حاضران بیش از صد هزارنفر بودند.

خداوند به این مقدار بسنده نکرد، بلکه در این باره آیاتی نازل فرمود، تا پیوسته و با گذشت روز و شب ، تلاوت شود، تا مسلمانان هر لحظه به یاد این ماجرا باشند و راه و پیشوایی را که باید به او روی آورند و دین خود را از او فرا گیرند، بشناسند.

این عنایت و توجه خاص را رسول خدا (ص) نیز داشت ، آن حضرت در آن سال ، گروههای مختلف مردم را به حج فرا خواند و مردم ، دسته دسته به او پیوستند و پیامبر اکرم (ص) می دانست که در پایان این سفر، آن (خبر بزرگ) را به آنان خواهد داد؛ خبری که قوام بخش بنای مکتب و مایه سروری امت اسلام برامتهای

دیگر و سیطره حکومت اسلام بین خاور و باختر می شد، اگر به مصالح امت می اندیشیدند و راه روشن هدایت را می دیدند و می پذیرفتند.(۲)

به خاطر همین هـدف بود که امامان (ع) پیوسـته یادآور این واقعه بودند و برای اثبات امامت امیرالمؤ منین (ع) به آن احتجاج و اسـتدلال می کردند. خود حضـرت امیر (ع) نیزدر طول حیاتش به آن اسـتدلال می کرد و در اجتماعات و جلساتی که مردم دور هم بودنـد، از کسانی که در صـحنه غـدیر حضور داشـتند می خواست که آن را بازگو کنند و شـهادت دهند. همه اینها به این جهت بود که داستان غدیر، علی رغم گذشت دورانها و سالها، همچنان تر و تازه و شاداب بماند.

از این رو به پیروان خود دسـتور می دادنـد که روز غـدیر را عیـد گرفته ، دور هم جمع شونـد، به یکـدیگر تبریـک و شادباش گویند، تا آن حادثه بزرگ یاد شود (که اشاراتی به این مساله خواهد آمد).

در روز غدیر، شـیعیان در کنار مرقد مقدس علوی ، اجتماع شکوهمندی دارند که بزرگان قبایل و چهره های برجسته شهرهای دور و نزدیـک ، برای گرامیـداشت این خـاطره گرامی جمع می شونـد و به نقـل از پیشوایـان دین ، زیـارت بلنـدی را روایت و تکرار می کنند که متضمن دلائل امامت و حجتهای استواری از قرآن و حدیث در اثبات خلافت و به ویژه حدیث غدیر است . هر یک از آن هزاران نفر را می بینی که با شادی و مسرت ، الفاظ آن را بر زبان جاری می سازد و خدا را سپاس می گوید که او

را بر این راه روشن (ولایت)، رهنمون شده است و خود را راوی آن فضیلت و اثبات کننده آن می بیند که به مفاد آن حدیث ، ایمان دارد. کسانی هم که توفیق حضور در آن گردهمایی مقدس را ندارند، در شهرهای دوردست ، هر جا هستند آن زیارت را تلاوت کرده و از همانجا به قبر شریف مولی اشاره می کنند.

روز غدیر، برنامه هایی از قبیل روزه ، نماز و دعا دارد که همه ، احیاگر یاد آنند و شیعیان در شهرهای کوچک و بزرگ و دور و نزدیک و روستاها و آبادیها به آن می پردازند. میلیونها نفر شیعه که به یک سوم یا یک دوم مسلمانان تخمین زده می شوند، راوی این حدیث و معتقد به آنند و آن را دین و آیین خویش قرار داده اند.

و اما کتب حدیث ، تفسیر، تاریخ و کلام شیعه ، بر هر کدام که دست بگذاری ، می بینی که در اثبات داستان غدیر و استدلال به مفهوم حدیث غدیر، استوار و پرمطلب است ، چه کتبی که احادیث را با سلسله سند تا به حضرت رسول (ص) نقل کرده ، چه آن ها که به خاطر اتفاقی بودن حدیث میان همه فرقه های اسلامی ، سند را نیاورده و احادیث را به صورت مرسل ، نقل کرده است .

فکر نمی کنم که اهل سنت ، در اثبات این حدیث و پذیرش صحت آن و گرایش به مفاد آن و صحیح شمردن احادیث غدیر و ادعای تواتر آن ، خیلی کمتر و عقب تر از شیعیان باشند! البته به جز عده ای که

بیراهه رفته انـد و تعصب کورکـورانه ، آنـان رابه گفتـار بی پـایه واداشـته است . آنـان تنهـا خودشـان را عـالم و اندیشـمند می پندارند. وگرنه ، محققان برجسته و آگاه و خبره ، هیچ شکی در اعتبار سلسله سند حدیث غدیر ندارند و سند آن را به صورت تواتر، به صحابه و تابعین می رسانند. (۳)

عدم اختصاص به شیعه

از جمله چیزهـایی که موجب جاودانگی داسـتان غـدیر گشـته و مفاد آن را ثابت و محقق ساخته است ، (عیـد) قرار گرفتن آن است . روز غدیر، عید به شـمار آمده و روز و شب آن همراه با عبادت و خشوع و جشن و نیکی به ضـعیفان و توسعه بر خود و خانواده قرار گرفته است و مردم در این جشن ، لباسهای خوب و زینتهای خود را می پوشند.

هرگاه که مردم به اینگونه امور گرایش داشـته باشـند، در پی عوامل آن رفته ، از راویان آن جسـتجو کرده و به سـرودن و نقل کردن پیرامـون آن می پردازنـد و اینگـونه در هر دوره ای ، همه سـاله تـوجه نسـلها به آن معطوف می شود و همواره سـندهای واقعه و متون و اخبار مربوط به آن ، خوانده می شود و ماندگار می گردد.

برای یک پژوهشگر در این مساله ، دو چیز آشکار می گردد:

۱ - اینکه این عید، تنها به شـیعه مربوط نیست ؛ هرچند که شـیعه ، دلبستگی خاصی نسبت به آن دارد. فرقه های دیگر مسلمین هم در عید گرفتن غدیر، با شیعه شریکند و بزرگانی از غیر شیعه در فضیلت این روز و عید بودنش به خاطر تعیین امیرالمؤ منین (ع) به مقام والای

ولا-یت از سوی حضـرت رسول (ص) سـخنانی ابراز کرده انـد، چرا که این موسم ، موسم شادمانی هواداران علی (ع) است ، چه او را به عنوان جانشین بلافصل پیامبر بدانند، چه چهارمین خلیفه .(۴)

کتب تاریخ ، درسهایی از این عید بر ما می خواند و اینکه امت اسلامی در شرق و غرب ، در عید بودن آن متفق اند و مصریان و مغربیـان و عراقیـان ، به جایگـاه آن اعتنـا و اهتمام داشـته انـد و روز غـدیر نزد آنان به عنوان روزی مشـخص برای نماز، دعا، خطبه و مدیحه خوانی مشهوربوده است و نامگذاری این روز به عید، مورد اتفاق بوده است .(۵)

ابن خلکان می نویسـد: پیامبر اکرم (ص) هنگام بازگشت از مکه در حجه الوداع ، وقتی به غـدیر خم رسـید، میان خود و علی (ع) عقـد برادری بست و او را برای خود، همچون هارون برای حضـرت موسـی (ع) دانست و فرمود: (خدایا دوسـتدارانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار، یارانش را یاور باشد و خوارکنندگانش را خوار کن) و شیعه را به این روز، دلبستگی خاصی است .(۶)

سخن ابن خلکان را مسعودی هم تاییـد کرده است ، آن جا که می گویـد: (فرزندان علی (ع) و شـیعیان او این روز را بزرگ می دارند.(۷)

ثعالبی نیز پس از آن که شب غدیر را از شبهای مشهور نزد امت شمرده است ، می نویسد: و این ، شبی است که فردایش پیامبر خدا (ص) در غدیر خم ، بر فراز جهاز شتران خطبه خواند و فرمود: (من کنت مولاه فعلی مولاه ...) و

شیعیـان ، این شب را گرامی داشـته ، به احیاء و عبادت می پردازنـد.(۸) این ، به خـاطر عقیـده شـیعه بر این نکته است که نص صریح بر خلافت بلافصل امیرالمؤ منین (ع) وجود دارد و شهرت این شب به فضیلت و فرخندگی ، بر اساس این باور است که در صبح این شب ، حادثه ای مهم و فضیلتی آشکار روی داده و آن روز را مشخص کرده و عیدی فرخنده ساخته است ، تا آن جـا که در سـروده هـا نیز در بـاب نیکـویی و مسـرت و جلوه ، به آن تشـبیه می کننـد. تهنیت و شادبـاش گفتن ابوبکر و عمر و همسـران پیامبر و صـحابه آن حضـرت ، به علی (ع) که به فرمان پیامبر بود، از نشانه های دیگر عیـد بودن این روز است ، چرا که تبریک و تهنیت ، از ویژگیهای عیدها و روزهای شادمانی است .

سابقه عید غدیر

۲ - سابقه این عید، به زمانی دیرین و پیوسته به دوران پیامبر (ص) می رسد. آغاز آن همان روز غدیر در حجه الوداع بود، که پیـامبر خـدا پایگـاه و قرارگاه خلافت بزرگ خویش را بیان کرد و جایگاه دینی و دنیوی حاکمیت خویش رابرای جامعه دینی روشن ساخت و سـطح بلند و والای دینش را برای مردم تعیین نمود. از این رو، روزی برجسته گشت و جایگاه آن هر معتقد به اسـلام را شادمان ساخت ، زیرا پس از این رخـداد، خاسـتگاه انوار فروزان دین روشن گشت و دیگر هوسـها و جهالتها نخواهد توانست دین را به این سو و آن سو بگرداند. چه روزی بزرگتر از غدیر،

که خطوط اصلی سنتها و روشهای روشن دین آشکار گشت و آیین به کمال رسید و نعمت پایان گرفت ، چیزی که قرآن ، آن را اعلام نمود.

اگر روز بر تخت نشستن پادشاهان شایسته است که جشن و چراغانی گرفته شود و اجتماعات برپا گردد و سخنرانیها و سرودها و مهمانیها برپا شود - آن چنان که میان ملتها و نسلها رایج است - پس روزی که حکومت اسلامی و ولایت دینی به فرمان صریح خداوند استقرار یافت و پیامبری که جز به حق سخن نمی گوید، آن را بیان کرد، سزاوارتر است که عید گرفته شود و چون این عید، از اعیاد دینی است ، لازم است که غیر از جشن و شادمانی ، چیزهایی به آن افزوده گردد که موجب قرب به خداوند است ، همچون روزه ، نماز، دعا و...

از این رو، رسول خدا (ص) فرمان داد همه کسانی که در صحنه غدیر حضور داشتند، از جمله ابوبکر و عمر و بزرگان قریش و چهره های برجسته انصار و همسران پیامبر، به حضور امیرالمؤ منین شرفیاب شوند و او را به خاطر این منصب والا تهنیت بگویند.

متن تبریک

محمد بن جریر طبری ، ضمن بیان ماجرای آن روز، چنین آورده است :

سپس پیامبر خدا (ص) فرمود: ای مردم ! بگویید: (با تو پیمان بستیم و با زبان و دست بیعت کردیم و متعهد شدیم که به فرزندان و خانواده خویش برسانیم و جایگزینی بر آن نخواهیم گزید و خدا را بر این میثاق ، شاهد می گیریم). آن چه را گفتم ، بگویید و به علی (ع) به عنوان

(امیرالمؤ منین) سـلام دهید و بگویید: (الحمد لله الذی هدانا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله) - خدا را سپاس که به این مرام ، هدایتمان فرمود و اگر خدا هدایت نمی کرد، راه را نمی یافتیم - همانا خداوند هر صدایی و نهانی را می داند. هرکس پیمان شکند، به زیان خویش پیمان شکسته است و هرکس به پیمان وفا کند، خداوند پاداشی بزرگ می دهد. چیزی بگویید که خدا را از شما راضی سازد و اگر ناسپاسی و کفران کنید، همانا خداوند از شما بی نیاز است .

زید بن ارقم گوید: آن گاه مردم شـتافتند و چنین می گفتند: آری !شـنیدیم و گوش به فرمانیم و فرمان خدا و رسول را به جان می پذیریم .

اولین کسـانی که بـا پیـامبر و علی (ع) دست دادنـد، عبـارت بودنـد از: ابوبکر، عمر، عثمـان ، طلحه ، زبیر و بـاقی مهـاجرین و انصارو مسـلمانان دیگر، تا آن که پیامبر خدا نماز ظهرو عصر را با هم خواند. مراسم بیعت ادامه یافت ، تا آن که آن حضرت ، نمـاز مغرب و عشاء را نیز با هم خوانـد و بیعت همچنان ادامه داشت .(۹)و هرگاه که گروهی برای بیعت می آمدنـد، پیامبر می فرمود: حمـد خدایی را که ما را بر جهانیان برتری داد. نیز نقل شده که : عمر بیعت کرد و گفت : ای پسـر ابوطالب ، گوارا باد بر تو که مولای من شدی ... و هر صحابی که به دیدار علی (ع) می آمد، آن گونه تهنیت می گفت .(۱۰)

نقل دیگر:... سپس رسول خدا (ص) در

خیمه مخصوص خود نشست و به امیرالمؤ منین هم فرمود تا در خیمه دیگری بنشیند و به مردم فرمود که در خیمه اش ، علی (ع) را تهنیت گویند. و چون مردم از تهنیت گویی فراغت یافتند، حضرت رسول همسران خود را فرمان داد که نزد علی (ع) رفته ، به او تبریک گویند - و چنان کردند - از جمله کسانی از صحابه که تبریک گفتند، عمر بن خطاب بود که گفت : گوارا باد بر تو، ای فرزند ابوطالب !مولای من و مولای همه زنان و مردان مؤ من شدی .(۱۱)

در (حبیب السیر) نیز نزدیک به همین مضمون آمده است .(۱۲)

تهنیت گویی ابوبکر و عمر را، بخصوص ناقلان روایات و پیشوایان حدیث و تفسیر و تاریخ از اهل سنت آن قدر نقل کرده اند که نمی توان شمار آنان را نادیده گرفت ، چه آنان که مساله را به صورت یک واقعه حتمی و قطعی نقل کرده و از مسلمات دانسته اند، و چه کسانی که با سندهای صحیح از تعدادی از صحابه ، همچون ابن عباس ، ابوهریره ، براء بن عازب ، زید بن ارقم و... نقل کرده اند.(۱۳)

به روایت انس : رسول خدا (ص) دست علی (ع) را گرفت و او را بر فراز منبر بالا برد و فرمود: خداوندا! این از من است و من از اویم ، جز اینکه او نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی است . آگاه باشید! هر کس را من مولای او بودم ، این علی (ع) مولای اوست . علی (ع) با چشمانی پراشک از

صحنه بازگشت ، عمر بن خطاب در پی او روان شد و به آن حضرت اینگونه تبریک و تهنیت گفت : (بخ بخ یا ابا الحسن ! اصبحت مولای و مولی کل مسلم).

و به روایت براء بن عازب : در حجه الوداع همراه پیامبر آمدیم تا به میان مکه ومدینه رسیدیم . حضرت فرمود آمد و دستور داد که همگان برای نماز فرود آیند. سپس دست علی (ع) را گرفت و فرمود: آیا من از مؤ منان نسبت به خودشان شایسته تر نیستم ؟ گفتند: چرا. فرمود: (پس من بر هرکس ولایت دارم ، این علی ، ولی اوست . خداوندا دوستدارانش را دوست بدار و با دشمنش دشمنی کن . هرکسی را که من مولای او هستم ، علی مولای اوست). و این سخن را رسول خدا با رساترین صدا بیان می کرد.

پس از آن ، عمر بن خطاب ، علی (ع) را دیدار کرد و گفت : ای پس ابوطالب ! گوارا باد بر تو. اکنون مولای من و مولای هر زن و مرد مسلمان شدی (هنیئا لک یابن ابی طالب . اصبحت مولای و مولی کل مؤ من و مؤ منه .)

عید غدیر و عترت پیامبر (ص)

تبریک گویی ولایت در غدیر که به فرمان حضرت رسالت بود و آن بیعت یاد شده و شادمانی رسول اکرم (ص) که فرمود: الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین ، و نزول آیه قرآن که به صراحت ، این روز را روز اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی پروردگار به واقعه آن روز دانسته است ، رمز عید بودن غدیر است . این

نکته را حتی طارق بن شهاب مسیحی که در مجلس عمر بن خطاب حضور داشت فهمیده بود، که گفت : اگر این آیه (۱۴)در میان ما نازل شده بود، روز نزول آیه را عید می گرفتیم (۱۵) و هیچ یک از حاضران حرف او را رد نکردند و عمر نیز سخنی گفت که به نوعی پذیرش حرف او بود. و این پس از نزول آیه تبلیغ (۱۶) بود که متضمن نوعی تهدید بود که پیامبر، به خاطر پرهیز و بیم از پیامدهای ابلاغ آن پیام آشکار از طرف امت ، تاخیر در رساندن پیام الهی نکند.

همه این ویژگیها برای این روز بزرگ ، موقعیتی والاـ و ارزشمند پدید آورد، آن چنان که رسول خدا (ص) و ائمه هدی و مومنانی که پیرو آنان بودند، از موقعیت این روز شادمان بودند. مقصود ما از (عید گرفتن) این روز نیز همین است . خود حضرت رسول نیز به این نکته اشاره و تصریح فرموده است ، از جمله در روایتی که می فرماید:

(روز غدیر خم ، برترین اعیاد امت من است . روزی است که خدای متعال مرا فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب را به عنوان پرچمی هدایتگر برای امتم تعیین کنم که پس از من به وسیله او راهنمایی شوند، و آن ، روزی است که خداوند در آن روز، دین را کامل ساخت و نعمت را بر امتم به کمال و تمام رساند و اسلام را به عنوان دین ، برایشان پسندید.)

کلام دیگر پیامبر که فرموده بود: (به من تهنیت بگویید، به من تهنیت بگویید)(۱۷) نیز نشان دهنده همین عید

بودن روز غدیر در کلام حضرت رسالت است .

خود امیرالمؤ منین (ع) در ادامه خط پیامبر، این روز را عیـد گرفت و در سالی که روز جمعه با روز غـدیر مصادف شـده بود، در ضمن خطبه عید فرمود:

(خداونـد متعال برای شـما مؤ منان ، امروز دو عیـد بزرگ و شـکوهمند را مقارن قرار داده است که کمال هر کـدام به دیگری است ، تا نیکی و احسان خویش را درباره شما کامل سازد و شما را به راه رشد برساند و شمارا دنباله روکسانی قرار دهد که با نور هـدایتش روشـنایی گرفته اند و شـما را به راه نیکوی خویش ببرد و به نحو کامل از شـما پذیرایی کند. پس جمعه را محل گردهمـایی شـما قرار داده و به آن فراخوانـده است ، تا گذشـته را پاک سازد و آلودگیهای جمعه تا جمعه را بشویـد، نیز برای یـادآوری مؤ منـان و بیـان خشیت تقوا پیشه گـان مقرر سـاخته است و پاداشـی چنـد برابر پاداشـهای مطیعـان درروزهای دیگر قرارداده و کمـال این عیـد، فرمانبرداری از امر الهی و پرهیز ازنهی او و گردن نهادن به طاعت اوست . پس توحیـد خـدا، جز با اعتراف به نبوت پیـامبر (ص) پـذیرفته نیست و دین ، جز با قبول ولایت به امر الهی قبول نمی شود و اسـباب طاعت خـدا جز با چنـگ زدن به دسـتگیره هـای خـدا و اهل ولایت ، سامان نمی پـذیرد. خداونـد در روز غـدیر، بر پیامبرش چیزی نازل کرد که بیانگر اراده اش درباره خالصان و برگزیدگان است و او را فرمان داد که پیام را ابلاغ کند و از بیماردلان و

منافقان هراس نداشته باشد و حفاظت او را عهده دار شد...

(تـا آن جـا که فرمود:) رحمت خـدا بر شـما بـاد! پس از پایـان این تجمع ، به خـانه هـا برگردیـد و به خـانواده خود، وسـعت و گشایش دهید و به برادران خود نیکی کنید و خداوند را بر نعمتی که ارزانیتان کرده سپاس گویید، با هم باشید، تا خداوند هم متحدتان سازد، به یکدیگر نیکی کنید، تا خداوند هم الفت شـما را پایدار کند، ازنعمت الهی به یکدیگر هدیه دهید، آن گونه که خداونـد بر شـما منت نهاد، و پاداش آن را در این روز، چندین برابر عیدهای گذشـته و آینده قرار داده است . نیکی دراین روز، ثروت را می افزایـد و عمر را طولانـی می کنـد. ابراز عاطفه و محبت به هم در این روز، موجب رحمت و لطف خـدا می شود. تـا می توانیـد، در این روز از وجودتـان خرج خانواده و برادرانتان کنیـد و در برخوردها و ملاقاتها ابراز شادمانی و سـرور کنید...)(۱۸)

ائمه اهل بیت ، این روز راشـناخته و شناسانده و آن را عید نامیدند و همه مسلمانان را به عید گرفتن آن دستور دادند و فضیلت آن روز و ثواب نیکوکاری در آن را بیان کردند.

فرات بن احنف می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : جانم فدایت !آیا مسـلمانان عیدی برتر از عید فطر و قربان و جمعه و روز عرفه دارند؟ فرمود: آری !با فضـیلت ترین ، بزرگترین و شریفترین روز عید نزد خداوند، روزی است که خدا دین را در آن کامل ساخت و بر پیامبرش محمد (ص) این آیه را نازل فرمود:

(الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا). گفتم : آن کدام روز بود؟فرمود: هرگاه یکی از پیامبران بنی اسرائیل می خواست جانشین خود را تعیین کند و انجام می داد، آن روز را عید قرار می دادند. آن روز، روزی است که پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) را به عنوان هادی امت نصب کرد و این آیه نازل شد و دین کامل گشت و نعمت خدا بر مؤ منان ، تمام شد. گفتم : آن روز، کدام روز از سال است ؟ فرمود: روزها جلو وعقب می افتد، گاهی شنبه است ، گاهی یک شنبه ، گاهی دوشنبه ، تا... آخر هفته . گفتم : در آن روز، چه کاری سزاوار است که انجام دهیم ؟فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و حمد خداوند و شادمانی است ، به خاطر منتی که خدا بر شما نهاد و ولایت ما را قرار داد. دوست دارم که آن روز را روزه بگیرید.(۱۹)

حسن بن راشد از امام صادق روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم : جانم فدایت ! آیا مسلمانان راجز عید فطر و قربان ، عیدی است ؟فرمود: آری ای حسن ! بزرگتر و شریف تر از آن دو. پرسیدم : چه روزی است ؟فرمود: روزی که امیرالمؤ منین (ع) به عنوان نشانه راهنما برای مردم منصوب شد. گفتم : فدای شما!در آن روز چه کاری سزاوار است که انجام دهیم ؟فرمود: روزه می گیری و بر پیامبر و دودمانش درود می فرستی و از آنان که در حقشان ستم کردند، به

درگاه خـدا تبری می جویی . همانا پیامبران الهی به اوصـیاء خویش دسـتور می دادند روزی را که جانشـین تعیین شده ، (عید) بگیرند. پرسیدم : پاداش کسی که آن روز راروزه بگیرد چیست ؟فرمود: برابر با روزه شصت ماه است .(۲۰)

نیز عبدالرحمان بن سالم از پدرش روایت کرده که : از حضـرت صادق (ع) پرسیدم : آیا مسلمانان غیر از جمعه ، قربان ، فطر، عیـدی دارنـد؟فرمـود: آری ، عیـدی محـترم تر. گفتم : چه روز؟ فرمـود: روزی که حضـرت رسـول (ص)، امیرالمؤ منین را به امامت منصوب کرد و فرمود: (من کنت مولاه فهـذا علی مولاه). عرض کردم : آن روز، چه روزی است ؟فرمود: به روزش چه کار داری ؟ سال درگردش است ، ولی آن روز، هیجدهم ذی حجه است . پرسـیدم : در آن روز چه کاری شایسـته است انجام شود؟ فرمود: در آن روز، با روزه و عبادت و یاد کردن محمد و آل محمد، خداوند را یاد می کنید. همانا پیامبر اکرم (ص) به امیرالمـؤ منین توصـیه فرمود که مردم این روز را عیـد بگیرنـد. پیـامبران همه چنین می کردنـد و به جانشـینان خود وصـیت می کردند که روز تعیین جانشین را عید بگیرند.(۲۱)

امام صادق (ع) نیز روزه غـدیر خم را برابر با صـد حـج و عمره مقبول نزد خداونـد می دانست و آن را (عیـد بزرگ خدا) می شمرد.

در (خصـال) صـدوق از مفضل بن عمر روایت آمـده که : به حضـرت صادق (ع) عرض کردم : مسـلمانان چنـد عیـد دارنـد؟ فرمود: چهار عید. گفتم : عید فطر و قربان و

جمعه را میدانم . فرمود: برتر از آنها روز هیجدهم ذی حجه است ، روزی که پیامبر خدا (ص)، حضرت امیر (ع) را بلند کرد و او راحجت بر مردم قرار داد. پرسیدم : دراین روز، چه باید بکنیم ؟ فرمود: با آن که هر لحظه باید خدا را شکر کرد، ولی دراین روز، بشکرانه نعمت الهی باید روزه گرفت . انبیای دیگر نیز اینگونه به اوصیای خود سفارش می کردند که روز معرفی وصی را روزه بدارند و عید بگیرند.

در حدیث دیگری (۲۲) امام صادق (ع) آن روز را روزی عظیم و مورد احترام معرفی کرده است که خداوند حرمت آن رابر مؤ منان گرامی داشته و دینشان را کامل ساخته و نعمت را بر آنان تمام نموده است و در این روز، با آنان عهد و میثاق خویش را تجدید کرده است . امام ، غدیر خم را روز عید و شادمانی و سرور و روز روزه شکرانه دانسته که روزه اش معادل شصت ماه از ماههای حرام است .

در حدیثی دیگر است که ، حضرت صادق (ع) در حضور جمعی از هواداران و شیعیانش فرمود: آیا روزی را که خداوند، با آن روز، اسلام را استوار ساخت و فروغ دین را آشکار کرد و آن را برای ما و دوستان و شیعیانمان عید قرار داد، می شناسید؟گفتند: خدا و رسول و فرزند پیامبر داناتر است ، آیا روز فطر است ؟ فرمود: نه . گفتند: روز قربان است ؟فرمود: نه ، هرچند این دو روز، بسیار مهم و بزرگند، اما روز (فروغ دین) از اینها برتر است

، یعنی روز هیجدهم ذی حجه ... تا آخر حدیث .

فیاض بن محمد بن عمر طوسی در سال ۲۵۹ (در حالی که خودش ۹۰ سال داشت) گفته است که حضرت رضا (ع) را در روز غدیر ملاقات کردم ، در حالی که در محضر او جمعی از یاران خاص وی بودند و امام ، آنان را برای افطار نگاه داشته بود و به خانه های آنان نیز طعام و خلعت و هدایا، حتی کفش و انگشتر فرستاده بود و وضع آنان و اطرافیان خود را دگرگون ساخته بود و پیوسته فضیلت و سابقه این روز بزرگ را یاد می فرمود.

محمد بن علاء همدانی و یحیی بن جریح بغدادی می گویند: ما به قصد دیدار احمد بن اسحاق قمی (از اصحاب امام عسکری (ع) در شهر قم به درخانه اش رفته ، در زدیم . دخترکی آمد. از او درباره احمد بن اسحاق پرسیدیم ، گفت : او مشغول عید خویش است ، امروز عید است . گفتیم : سبحان الله ! عید شیعیان چهار تاست : عیدقربان ، فطر، غدیر و جمعه .(۲۳)

پاسخی به یک دروغ

تا اینجای بحث ، حقیقت این عید و ارتباط آن را با همه امت و سابقه آن را که به دوران پیامبر اکرم (ص) میرسد، فهمیدیم . پس از عهد پیامبر نیز، عید گرفتن این روز، از امامی به امام دیگر رسیده است و امینان وحی الهی ، همچون امام صادق و امام رضا (ع) آن را آشکار کرده و یادش را زنده نگهداشته اند. پیش از آنان هم امیرالمؤ منین (ع) احیاگر این عید بود.

سخن

و عمل امام صادق و امام رضا (ع) درزمانی بود که هنوزنطفه (آل بویه) بسته نشده بود و روایات این دو امام در تفسیر فرات و کافی که در قرن سوم تالیف شده اند، آمده است و اینگونه روایات ، مدرک و منبع شیعه است که این روز را از دیر زمان عید گرفته اند، در سایه عمل به آن سخنان نورانی و طلایی امامان .

اکنون تعجب از (نویری) و (مقریزی) است که گفته اند این عید را معزالدوله در سال **۳۵۲** پدید آورده است و آن را از بدعتهای شیعه شمرده اند.

نویری ضمن برشمردن اعیاد اسلامی ، گفته است : یک عید هم هست که شیعه آن را ساخته اند و نامش را عید غدیر گذاشته اند و سبب آن ، عقد اخوتی بوده که پیامبر، میان خود و علی (ع) در روز غدیر خم بست و (غدیر) برکه ای است که آب چشمه در آن بریزد و اطرافش درختهای انبوه باشد. بین غدیر و چشمه ، مسجد پیامبر است . روزی را که شیعه عید ساخته اند، هیجدهم ذی حجه است ، چرا که آن برادری در حجه الوداع سال دهم هجری بود و اینان شب غدیر را با نماز زنده می دارند و فردایش ، پیش از زوال ، دو رکعت نماز می خوانند و شعارشان در این روز، پوشیدن جامه نو و آزاد کردن برده و نیکی به دیگران و قربانی کردن است و اولین کسی که این روز را عید قرار داد، معزالدوله بود (که اخبار او را در قضایای سال **۳۵۲** خواهیم آورد). و

چون شیعه ، این عید را ساختند و از سنتها و مراسم خویش قرار دادند، عوام اهل سنت نیز در سال ۳۸۹، مثل شیعیان روزی را روز شادی و جشن قرار دادند و آن را هشت روز پس از عید شیعه تعیین کردند و گفتند: این روز، روز داخل شدن پیامبر و ابوبکر به غار است و در این روز، زیورها و جشنها و آتش افروختنهایی را رسم نمودند...)(۲۴)

مقریزی نیز گفته است : عید غدیر، عید مشروعی نبوده و هیچ یک از پیشینیانی که مقتدای مردمند به آن عمل نکرده اند و اولین باری که در تاریخ اسلام دیده شده ، در روزگار معزالدوله است که در سال ۳۵۲ آن را بنا نهاد و شیعه نیز از آن پس ، غدیر را عید قرار داد...(۲۵)

چه می توان گفت درباره نگارنده ای که پیش از آن که حقیقت تشیع را بشناسد، درباره تاریخ شیعه می نگارد، یا آن که حقیقت را شناخته ، ولی هنگام نگارش ، آن را فراموش کرده است ، یا به دلایلی از آن چشم پوشیده ، یا آن که نمی فهمد چه می گوید، یا آن که به آن چه می گوید، بی اعتناست ! مگر مسعودی (م ۳۴۶) نمی گوید: فرزندان و شیعیان علی (ع) این روز را گرامی می دارند؟(۲۶) مگر کلینی ، راوی حدیث در کافی (م ۳۲۹) و پیش از او فرات کوفی در تفسیرش آن را نگفته است ؟ این کتابها پیش از تاریخی که مقریزی گفته (یعنی ۳۵۲) تالیف شده است . مگر فیاض بن عمر در سال ۲۵۹ از آن خبر نداده و

نگفته است که امام رضا (ع) را دیده است که این روز را عید می گرفت و فضیلت و سابقه اش را می گفت و آن را از پدرانش از امیرالمؤ منین نقل می کرد؟ مگر امام صادق (ع) (م ۱۴۸) خبر از آن نداده و اینکه پیامبران پیشین هم روز نصب وصی را عید می گرفتند، آن گونه که سلاطین و امرا، روز به تخت نشستن خود را عید می گرفتند؟امامان شیعه (ع) در دورانهای کهن و زمان خویش پیروانشان را به انجام کارهای نیک و دعا و عبادت در این روز دستور می دادند. حدیثی که از (مختصر بصائر الدرجات) نقل شد، نشان می دهد که در اوایل قرن سوم ، غدیر از اعیاد چهارگانه مشهور شیعه بوده است .

این است حقیقت غدیر. اما آن دو نویسنده خواسته اند از شیعه ایراد بگیرند، آن سابقه شایسته را انکار کرده و غدیر را از بدعتهای منسوب به معزالدوله دانسته اند و به خیال خود پنداشته اند که هیچ تاریخ شناسی سخن آنان را به نقد نخواهد کشید!...

تاج امانت

چون صاحب خلافت و ولایت ، به منصب جانشینی پیامبر (ص) معین شد، شایسته بود که تاجگذاری کند، همچنانکه سلاطین و امیران عادت دارند.

تاجهای زرین و جواهرنشان ، از نشانه های پادشاهان ایران بود و عرب ، عمامه را جایگزین تاج ساخته بود. جز بزرگان و اشراف ، عمامه بر سر نمی نهادند و دیگران بیشتر در صحرا و دشت ، سر برهنه بودند، یا کلاه بر سر داشتند. عمامه نزد عرب ، به منزله تاج نزد دیگران بود. از این رو

از پیامبر اکرم (ص) نقل شـده است که عمامه ها، تاجهای عرب است (العمائم تیجان العرب)(۲۷) و به عمامه ، تاج می گفتند و افراد اندکی عمامه داشتند و هرگاه می خواستند کسی را به سروری و بزرگی برسانند عمامه ای سرخ بر سرش می نهادند. از لقبهای پیامبر نیز یکی (صاحب التاج) است ، یعنی صاحب عمامه .(۲۸)

بر این اساس ، رسول خدا (ص) در روز غدیر، امیرالمؤ منین را به شـکل خاصـی عمامه بر سر نهاد که نشانگر شکوه و جلوه او باشد. به دست مبارکش ، عمامه مخصوص خودش را (به نام سـحاب) در برابر دیدگان آن جمع انبوه ، بر سـر علی (ع) نهاد، تـا نشـان دهـد که این تاجـدار، همچـون خـود رسول الله ، حـاکم و فرمـانرواست ، جز این که ابلاـغگر از سوی آن حضـرت و جانشـین پس از اوست . از خود علی (ع) روایت است که : پیامبر اکرم روز غـدیر خم بر سـر من عمامه گذاشت و یک طرف آن را از پشـتم آویخت (و در نقـل دیگر: یـک طرف آن را روی دوشم انـداخت)... خداونـد، روز جنگ بـدر و حنین ، مرا با فرشتگانی امداد کرد که این عمامه را بر سر داشتند. نیزاز او روایت است که چون حضرت رسول (ص) عمامه بر سر علی (ع) نهاد، فرمود: برو، رفت ، فرمود: بیا، آمد. آن گاه روی به اصحاب فرمود: تاج فرشتگان نیزهمین گونه است .(۲۹)

این روز تاجگذاری ، فرخنده ترین روز در اسلام و بزرگترین عید برای موالیان امیرالمومنین (ع) است .

و در عین حال ، یکی ازعوامل و انگیزه های کینه توزی ناصبی ها با علی (ع) است .

تذکر:

(مولف بزرگوار، علامه امینی (ره) پس از این بحث ، سخن مبسوطی پیرامون سند حدیث دارد. از آن جا که ممکن است برخی کج اندیشان و مغرضان نسبت به سند حدیث غدیر تشکیک کنند و آن را ضعیف بشمارند، مولف بر اساس مستندات فراوان ، نظرات محققان و مولفان و صاحبنظران اهل سنت را که درباره حدیث و سند و رجال ، اظهارنظر می کنند، آورده و از زمانهای کهن تا عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده است که همه ، حدیث را متقن و راویان آن را موثق شمرده اند.

تعابیری که در نوشته های آنان به کار رفته ، متنوع است ، از قبیل : حدیث حسن ، صحیح ، متواتر، مامون علیها، موافق بالاصول ، ثابت ، لاعرف له عله ، اجماعی ، مستفیض ، مشهور، روته الثقات ، قویه الاسناد، حسان ، لامریه فیه ، اتفق علیه جمهور اهل السنه ، نص ، المفیده للعلم ، طرقه کثیره ، رواه من الصحابه عدد کثیر و... که همه ، حاکی از اعتبار این حدیث ، بخصوص ذیل آن که مربوط به تهنیت گویی دوخلیفه به علی بن ابی طالب (ع) است ، می باشد و پاسخی علمی و محققانه است به کسانی که حدیث غدیر یا ذیل آن را تضعیف و تشکیک کرده اند. این بحث گسترده و محققانه در ص ۲۴۹ تا ۳۱۳ کتاب آمده است .)

(مترجم)

پی نوشتها

۱-از ص ۲۶۷ تا ۳۱۳ الغدیر، ج ۱، چاپ سوم ، دارالکتاب

العربی ، بیروت و ص ۵۰۳ از چاپ (مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه)، قم .

۲–حدیثهای متعددی به این مضـمون از رسول خدا (ص) روایت شده است که : اگر علی (ع) را به امارت و پیشوایی بپذیرید – که فکر نمی کنم چنین کنیـد! – او را هـدایت گری هدایت شده خواهید یافت که شـما را به راه راست ، رهنمون می گردد. (علامه امینی متن حـدیثها و نشانیهای آن ها را از کتب : مسـند احمد، تاریخ خطیب بغدادی ، حلیه الاولیاء ابونعیم ، کنزالعمال هندی ، مناقب خطیب خوارزمی ، البدایه و النهایه ابن کثیر نقل کرده است).

۳–علامه در اینجا به نقل دهها و صدها نفر از صـحابه ، تابعین و راویانی که حدیث غدیر را نقل کرده و آن را صـحیح دانسـته اند، پرداخته است .

۴–از جمله : (الاثار الباقیه) بیرونی ، ص ۳۳۴، (مطالب السئول) این طلحه شافعی ، ص ۵۳.

۵–ر.ک : (وفیات) ابن خلکان ، ج ۱ ص ۶۰، ج ۲ ص ۲۲۳.

۶–همان .

۷–(التنبیه و الاشراف)، مسعودی ، ص ۲۲۱.

۸–(ثمار القلوب)، ثعالبی ، ص ۵۱۱.

۹–(الولایه)، محمد بن جریر طبری ، ص ۲۱۴ تا ۲۱۶، (مناقب علی بن ابی طالب)، احمد بن محمد طبری .

۱۰–(مرآه المومنین)، ولی الله لکهنوی .

۱۱–(روضه الصفا)، ابن خاوند شاه ، ج ۱ ص ۱۷۳.

۱۲–(حبیب السیر)، غیاث الدین ، ج ۱ ص ۱۴۴.

۱۳–در این قسمت ، علامه امینی ۶۰ مورد از متون حـدیث و تاریخ را از منابع اهل سـنت و عبارتهایشان را نقل می کند (ازص ۲۷۲ تا ۲۸۳ الغدیر، ج ۱، در چاپ مرکز

الغدیر، ص ۵۱۰) که چون اغلب مشابه یکدیگر است ، از ترجمه یکایک آنها خودداری می شود. این موارد عبارتند از: (مصنف) ابن ابی شیبه ، ج ۱۲، ص ۷۸، (مسند) احمد بن حنبل ، ج ۴، ص ۲۸۱، (مسند کبیر) ابوالعباس شیبانی ، (مسند) ابویعلی موصلی ، (تفسیر طبری)، ج ۳ ص ۴۲۸، (الولایه) ابن عقده کوفی ، (سرقات الشعر)، مرزبانی بغدادی ، (الابانه)، ابن بطه ، (التمهید) باقلانی ، ص ۱۷۱، (شرف المصطفی) ابوسعید خرگوشی ، (الکشف و البیان) ثعلبی ، ذیل آیه ۶۷ مائده ، (الفصول المهمه) ابن صباغ مالکی ، ص ۲۵، (المناقب) ابن مغازلی ، ص ۲۳۲، (زین الفتی) احمد العاصمی ، (فضایل الصحابه) سمعانی ص ۲۷۲، (سرالعالمین) ابوحامد غزالی ، ص ۹، (الملل و النحل) شهرستانی ، ج ۱ ص ۱۴۵. (مناقب) خوارزمی ، ص ۹۴. (نهایه) ابن کثیر، ص ۱۷۸، (کفایه الطالب) کنجی شافعی ، ص ۱۶. (تذکره) سبط بن جوزی ، ص ۱۸، (فرايد السمطین) حموینی) باب ۱۳، ج ۳ ص ۱۱۳، (نظم درر السمطین) زرندی ، ص ۱۰۹، (البدایه و النهایه) ابن کثیر شامی ، ج ۵ ص ۲۲۹، (الخطط) مقریزی ، ج ۲، ص ۲۲۳، (الفصول المهمه) ابن صباغ مالکی ، ص ۲۵، (جمع الجوامع) سیوطی ص ۲۷۲، (وفاء الوفاء) سمهودی ، ج ۲ ص ۱۷۳، (المواهب اللدنیه) قسطلانی ، ج ۲ ص ۱۳، (لصواعق المحرقه) ابن حجر عقلانی ، ص ۲۶، (فیض القدیر) مناوی شافعی ، ج ۶ ص ۲۱۸،

(شرح المواهب) زرقانی ، ج ۷ ص ۱۳، (الروضه الندیه) صنعانی ، ص ۱۵۵، (تفسیر شاهی) محمد محبوب العالم ، (الفتوحات الاسلامیه) زینی دحلان ، ج ۲ ص ۳۰۶، (کفایه الطالب) شنقیطی ، ص ۲۸ و... دیگران .

۱۴-الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا (مائده / ۳).

۱۵-به نقل مولفان صحاح اهل سنت همچون مسلم ، مالک ، بخاری ، ترمذی و نسائی و نیز: تیسیر الوصول ۱/۱۲۲، مشکل الاثار، ج ۳ ص ۱۹۶، تفسیر طبری ، ج ۶ ص ۴۶، تفسیر ابن کثیر، ج ۲ ص ۱۳ و دیگران .

۱۶-یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ... (مائده / ۶۷).

۱۷-شرف المصطفی ، ابوسعید خرگوشی .

۱۸-(مصباح المتهجد)، ص ۵۲۴.

۱۹-تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی ، در سوره مائده .

۲۰- (کافی)، ج ۱ ص ۳۰۳.

۲۱-(کافی)، ج ۱ ص ۲۰۴.

۲۲-(مصباح)، شیخ طوسی ص ۵۱۳.

۲۳-(مختصر بصائر الدرجات).

۲۴-(نهایه الارب فی فنون الادب)، ج ۱ ص ۱۷۷.

۲۵-(الخطط)، ج ۲ ص ۲۲۲.

۲۶-(التنبیه و الاشراف)، ص ۲۲۱.

۲۷-(الجامع الصغیر)، سیوطی ، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲۸-(نور الابصار)، شبلنجی ، ص ۲۵.

۲۹-ر.ک : (کنزالعمال)، ج ۸، ص ۶۰، (معرفه الصحابه)، حافظ ابونعیم ، (الریاض النضره)، ج ۲ ص ۲۱۷، (فرائد السمطین)، باب ۱۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹